**متن سخنرانی جناب حجت السلام و المسلمین حائری سومین جلسه همایش رابطین و مربیان مهدویت**

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدالله رب العالمین

صلی ا...علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

اولا وهابیها معتقدند که ما شیعیان مهدویت را که البته مطلب بر حقی است را یک اصل کاملا مستند به قرآن نشان دهند و حال انکه این مطلب کاملا قرآنی نیست ما فقط مستندات روایی برای اصل مهدویت داریم. یوسف القرضاوی که یکی از ملاهای الازهر مصر است می گوید :قضیه المهدویه غیر موجودة فی القرآن لا بالعبارة و لا بالاشارة:قضیه مهدویت در قرآن نیامده نه با عبارت،نه با اشاره.

منظور وی از عبارت یعنی هیچ فراز و هیچ جمله صریحی نداریم که به موضوع امام زمان اشاره داشته باشد.درحالی که این

 مطلب باطل است.ما در این جلسه ثابت میکنیم که موضوع مهدویت در قرآن مطرح شده است منتها باید بدانیم با چه

 مکانیزمی. پس اولا باید قرآن را شناخت و سپس با ظرفیت و ادب و زبانی که قرآن دارد آشنا شویم و ببینیم قرآن با چه شیوه

ای وارد شده و آیا قرآن کریم در رابطه با مهدویت که مسأله آینده جهان بشر است آیه ای دارد یا نه؟

آیا آیه ای از قرآن صریح راجع به حضرت صحبت کرده یا نامی از حضرت برده یا خیر؟

تنها آیه ای که به ذهن میرسد:بقیة ا...خیرلکم إن کنتم مؤمنین <<هود/86>> میباشد که البته به آن خواهیم پرداخت که

البته در این آیه هم صراحتأ نامی از حضرت آورده نشده،همچنان که اسم حضرت علی(ع) به عنوان وصی پیامبر صراحتأ در

قرآن نیامده، آیا اگر اسم امام زمان در قرآن نیست معنایش این است که قرآن راجع به این حقیقت مطلبی نفرموده؟

اگر انسان این قضاوت را بکند معلوم است قضاوت شتابزده ای کرده، چون که مثلا راجع به امیرالمؤمنین هم نامی در قرآن

نیست اما هیچ مسلمانی نیست مگر اینکه معتقد است که جاهای زیادی از قرآن راجع به امیرالمؤمنین آیاتی هست.پس

 مسلمانها قبول دارند که آیات بسیاری در مورد حضرت علی هست ولی اسمی برده نشده،از اینجا معلوم میشود که باید

 نگاهمان به قرآن دقیق تر باشد.

مورد اوّل:قرآن در بیان اینگونه معارف از 2 شیوه استفاده کرده:1-تصریح:با صراحت 2-تلویح:با اشاره مثلا راجع به رسول اکرم

 قرآن به صراحت نام محمد رسول ا.. را آورده: محمد رسوال ا... والذین معه اشداء علی الکفار.(فتح/29).همچنین راجع به

 حضرت موسی،عیسی،مریم و...(اشاره به تصریح) نهایتا ما 124000 پیغمبر داریم که فقط نام 25-26 مورد در قرآن برده

شده.اما قرآن که نام همه آنها را فهرست نکرده،درمورد خیلی از انبیاء به بیان اوصاف اکتفا کرده.(تلویح) پس اگر سوال شد آیا انبیاء در قرآن هستند؟ بایدگفت:بله منتها بعضی به اسم تصریح و بیشتر به وصف تلویح همچنان که در امامت نیز اینگونه است.در امامت مخالفین نمیتوانند بگویند در قرآن بحث از امامت نیست اصل معاد

را که قطعا نمیتوانند چرا که قرآن آیات متعددی راجع به امامت دارد مثل آیه:إنی جاعلک للناس امامأ :راجع به

حضرت ابراهیم چرا که <امامأ> غیر از نبوت است حضرت قبلا مقام نبوت را داشت پس امامت مقامی است فراتر از

نبوت.همچنین امامت امیرامؤمنین:<<إنما ولیکم ا...و رسوله و الذین...راکعون>>(ماعده/55) علمای شیعه عمدتأ و

شیخ طوسی به طور خاص معتقدند مهمترین ادله برای اثبات امامت امیرالمؤمنین در آیه اشاره شده است.چون آیه

اشاره میکند که ولی شما فقط خدا و رسولند و در مرحله سوم باید می گفته علی بن ابیطالب.منتها به جای نام حضرت اوصافی را برای حضرت بیان کرده.پس آنجا که فرد در ابتدای بحث مطرح میکند که اشاره هم نیست ما ثابت میکینم که بساری از آیات اشاره به موضوع حضرت دارد.

مورد دوم:نکته تکمیلی:اینکه ما انتظار داشته باشیم قرآن همه معارف را از صفر تا صد بیان کرده باشد چنین چیزی نداریم،حتی اهل سنت هم قبول دارند که قرآن نیاز به مبین و مفسر دارد،تا آنچه که قرآن موظف به بیانش بوده به طور کامل بیان شود.قرآن کریم خطاب به پیامبر فرمود:<<وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزّل الیهم ....:ما نازل کردیم قرآن را برای اینکه بیان کنی برای مردم>>

تبیّن:تبیّن،بیان کردن،تفسیر کردن،پرده برداشتن از نکاتی که در آیه موجود است و تو وظیفه بیان کردنش را

داری.همه مسلمین قبول دارند یکی از وظایف رسول خدا قرآن را تبیین و تفسیر کردن است و لذا هم ما و هم سنّیها

روایات تفسیری داریم، روایات تفسیری چیست؟یعنی روایاتی که قرآن با ابهام موضوعی را بیان کرده و در لفافه گفته

و سپس پیامبر آن را تفسیر و باز میکنند.

به طور مثال1:قل لا اسألکم علیه اجرا الی المودة فی القربی:ابهام دارد.

اجر پیامبر دوستی نسبت به قربی است.سوال شد:قربی منظور نزدیکان شماست(پیامبر)یا ما؟

پیامبر فرمود:خویشان من.در تفاسیر اهل سنت به ویژه در المنثورسیوطی سنی:که پیامبر فرمود قربی یعنی:علی و

فاطمه و الحسن و الحسین.البته بقیه اهل بیت هم جزء قربی هستند ولی در این روایت رسول خدا می خواست

موجودین را بیان کند.یا مثال دیگر2:کونوا مع الصادقین و در تفسیر دارد:یعنی کونوا مع علیٍ.صادقین همه اَئمه

هستند.منتها مع علی یعنی مصداق اول که حضرت علی است که بحث بر سر آن دارند.

و مثال دیگر 3:ان ا.... و ملائکتهُ یصّلون علی النبی ....تسلیما: صلوات خدا و ملائکه بر پیغمبر صلوات می فرستند

 شما هم به تبعیت از آنها بر خدا و رسولش صلوات بفرستید که درود ما و اهل سنت فرق دارد.در صحیح بخاری

آمده از رسول خدا سوال (ص) شد چگونه درود بفرستیم بر شما که خدا فرموده؟فرمودند:قولوا اللهم صلی علی محمد و آل

محمد. مخصوصا پیغمبر آل را در روایات اهل سنت آورده که تصریح کرده که درود ناقص برمن نفرستید.نتیجه:شاُن

 رسول خدا تبین است همچنان که قرآن فرموده.

نتیجه: اگر آیه یا آیاتی از قران معرفتی از معارف را بیان کرد اما لایه هایی از قران معرفت وریزه کاریهایی از آن،اجزایی

 از آن در لسان رسول خدا مطرح شد آن هم میشود یک معرفت از معرفتهای قرانی که بر لسان پیامبر جاری

 شده،در واقع روایات ما شاَن تفسیری نسبت به قرآن دارند.به قول علامه طباطباءی به دلیل روایت ثقلین:«اِنی تارک

فیکم ثقلین....»عترت هم مثل پیامبر همان شاَن را دارند همان جایگاه را به تعبیر دیگر: قران به تنهایی برای دستیابی

 به معارف الهی کافی نیست.

«پس در مجموع:ما هم نیاز به قران داریم هم نیاز به کلام رسول خدا»

مورد سوم:همه مسلمین قبول دارند که پیامبر فرمود:ما من ایه الا ولها ظهر و بطن:همه ی آیات هم ظاهر دارند و هم

باطن.یعنی قران تمام معارفش در ظاهر آورده نشده بسیاری از معارف در دل آیات نهفته است.اهل سنت این مورد را

قبول دارند ولی چطور در مورد معارف مهدویت خلاف این را بیان میکنند؟

مثالی قابل لمس:شما دریا که میروید چه میبینید؟یک فرد معمولی خواهد گفت:آب،دریا،قایق،شناگران ولی اگراز

غواصی که در عمق است سوال کنید خواهد گفت:دنیایی متفاوت از دنیای بیرون دریا.

به تعبیر امیرالمومنین قرآن:«بحر لا یدرک مقعره»میباشد: بحری که کسی به عمقش نمیرسد.

به قول علامه طباطبایی:هر دو سال یکبار باید یک تفسیر قران نوشته شود،چون هرچقد بشر جلوتر میرود به معارف

 جدیدی از قران میرسد(همان معارف ظاهری)پس باید بپذیریم که بخشی از معارف در ظاهر و بخشی در باطن است

و کسی به این باطن راه پیدا میکند که اهل قران است یعنی رسول خدا و بعد از او کسی که باب علم است به عقیده

 شیعه و سنی:«انا مدینه العلم و علی بابها»اوست که باید بگوید و بعد فرزندان معصومش مخالفین به پیامبر گفتند:ما

له لم یسم علیا؟چرا نام علی برده نشده؟و جواب داده شد:خدا نماز را گفت،اما تعداد رکعات آن را به عهده پیامبر

گذاشت،در مورد حج و زکات هم کل را گفت اما جزییات را به عهده پیامبر گذاشت.امامت را هم خدا

گفت(نساء/59):اطیعوا....و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم.

فخر رازی میگوید:«چون اولی الامر قید ندارد در اطاعت مثل رسول خدا باید معصوم باشد اولی الامر در قران هرکس باشد باید معصوم باشد اما نمیتوانیم معصوم را پیدا کنیم مجبوریم بگوییم همه امتند.

در حالیکه اولی الامر قرآن را پیامبر تفسیر کرد.خدا به پیغمبر فرمود اصل را من گفتم بقیه را شما بیان کنید.

آیات مهدویت

1. شخص امام(هود/86):بقیه الله...
2. غیبت امام (بقره/3)الذین یؤمنون بالغیب....
3. حکومت امام (نور/55-قصص/5-انبیاء105)
4. یاران امام (مائده/54)

البته آیه55 سوره نور از جهاتی با آیات دیگر متمایز است این آیه جزء اولین آیات در مورد حضرت است وعدالله الذین امنوا منکم و عملو الصالحات لیستخلفنهم فی الارض....(لام و نون، لیستخلفنهم نشانه تاکید است) و (ال، الارض نشانه وسعت است)

آیه با وعد شروع شده یعنی حتمی است و حتما اتفاق می افتد حتی اگر شرایطی داشته باشد که اگر اتفاق نیفتد خلاف وعده خداست پس

1-وعده خدا حتمی است

2-مخاطب به و عده (اهل ایمان) مسلمین هستند و این آیه جلوتر از آیه 5 سوره قصص است در مورد وعده دادگان که مسلمین هستند.

3- همچنین سه وعده داده شده است:الف- خدا افرادی را که در زمین هستند وعده خلافت داده است یعنی همان حاکمیت جهانی نه منطقه ای. با توجه به کلمه فی الارض.چرا که الارض قرینه ای ندارد و ال نشانه وسعت است یعنی حاکمیت جهانی. و این آیه زمانی نازل شد که مسلمانها در فشار بوده اند که در این موقعیت بشارتی برای مسلمین است. قرآن گفته: مانند قبل چرا که قبلا هم این اتفاقا در مورد بنی اسرائیل افتاده است. رجوع به تفسیر المیزان – علامه طباطبائی

ب- وعده دوم:ولیمکنن لهم دینهم. دینشان را به تمکین می رسانیم (مکنه فی المکان= جای پای چیزی را محکم کردن) زمانی دین به تمکین می رسد و جای پایش محکم می شود که در تمام جهان حکمفرما شود و تمام جهان را فرا بگیرد. به قول طبرسی: فراگیر شدن اسلام. در این که دین، اسلام است شکی نیست چرا که مخاطب آیه مسلمین هستند

ج- ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا:حتما حتما خوف آنها را به امن تبدیل می کنیم (امنیت فراگیر در همه بخشها)

سوال:مسلمانهایی که در خوف بودند از چه بعدی در خوف بودند؟ جانی،فرهنگی،اقتصادی،سیاسی(براندازی نظام دینی)ونظامی.چون خوف قید ندارد پس شامل همه ابعاد خوف است،

خدا در مقام منت گذاری است،حال اگر امنیت را بخش بندی کند دیگر امنیت فایده ای ندارد فقط در صورتی معنا دارد که همه گیر باشد یعنی امنیت در همه ابعاد.بنابراین آیه وعده به امنیت فراگیر در همه بخشها می دهد.در مجموع:یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا.عبودیت خالص وعاری از هر گونه شرک پدید آیدوخدا پرستیده شود و بدون هیچ شرکی . ایمان بدون شرک سوال:خدا در آیه فوق 3 وعده به مسلمین داده.از زمان رسول خدا تا کنون این 3 وعده برای کدام سرزمین اتفاق افتاده؟جواب:سابقه تحقق در هیچ بخشی از تاریخ اسلام از صدر تا کنون را نداشته .علامه طباطبایی در تفسیر المیزان :خداوند از جامعه ای صالح و فوق العاده در این آیه خبر داده که شما به هیچ وجه نمونه ای از آن را در تاریخ اسلام پیدا نمی کنید تا حالا که نبوده،لا جرم ناگزیر باید در آینده اتفاق بیفتد چرا؟چون خدا با وعد شروع کرده وقطعا در اینده تاریخ این اتفاق(وعده)برای مسلمین برگزیده تحقق خواهد یافت که اگر از هر مسلمان قدری عادل بپرسید این ویژگیها را برای کدام حکومت می دانید؟قطعا خواهد گفت:حکومت مهدی(عج) روایتی در ذیل آیه ذکر شده:مرحوم طبرسی در مجمع البیان آورده:امام سجاد آیه را تلاوت فرموده و سپس فرمودند:هم والله شیعتنا اهل البیت:هم نیاز به مرجع دارد که مرجع آن الذین آمنوا منکم می باشد.0آنها به خدا شیعیان ما اهل بیت هستند.یفعل الله ذلک (اشاره به وعده ما)بهم:خدا با آنها چنین خواهد کرد (این کارها را برای آنها انجام خواهد داد) علی یدی رجل منا:به دست مردی از ما هو مهدی هذه الامه: او مهدی این امت است.کارهای ذکر شده (وعده های الف،ب،ج)نیاز به رهبری عادل دارد که بدون او انجام نخواهد پذیرفت پس حتما باید برخاسته از یک نهضت به همراه یک رهبر فوق العاده باشد که بتواند امت را منسجم کند.در ادامه می گوید:مگر مسلمانان هم نمی گویند یک مهدی بشارت داده شده از پیامبر است. وهو الذی قال رسول الله :ایشان همان کسی است که پیغمبر جمله ای در مورد ایشان داردکه شیعه و سنی آن را نقل کردند:لو لم یبقی من الدنیا الا یوم الواحد یطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من عترتی اسمه اسمی ...امام سجاد فرمودند:پیغمبر فرمودند:اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد خداوند آن را طولانی می کند تا مردی از خاندان من که هم نام من است به حکومت برسد و این اتفاق می افتد.

نکته تکمیلی: بحث حاکمیت جهانی در روایات شیعه و سنی در مورد مهدی (ص) و آینده اسلام بیان شده یعنی همه قبول دارند که آینده اسلام متعلق به مسلمین است و به رهبری مهدی آل پیامبر است بحث دین جهانی محدود به این روایت و آیات نیست، با توجه به: هو الذی ارسل رسوله با مهدی و دین الحق. امنیت جایگزین خوف در روایات شیعه و سنی وارد شده که قبلاً ذکر شد.

بشارت به جهانی شدن اسلام:

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله، (لام لیظهره نشانه غایت) و (الف و لام الدین نشانه جنس) و لو کره المشرکون (توبه/33)

این بشارت در سه جا وارد شده:

1. توبه/33
2. فتح/28
3. صف/9

با اندک اختلافی در پایان آیه به جای لوکره المشرکون عبارت و کفی با الله شهیداً آمده که ضربه ای به استدلال مورد نظر ما وارد نمی کند.

دین جهانی در سوره توبه هم آمده است، چطور؟ ترجمه آیه: خداوند همان خدایی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا در نهایت چیره سازد این دین را بر سایر ادیان اگر چه مشرکان ناراحت باشند و کراهت کنند اولاً بحث ما متمرکز روی چندجای آیه است:

1. ضمیر لیظهره مرجعش کجاست؟ بعضی گفته اند به رسول، بعضی به دین را گفته اند به هر کدام باشد استدلال ما حراب نمی شود. منتها به دین که برگردد زیباتر و نزدیکتر است. در عربی گفته می شود تا آن جا که می شود کلمه به مرجع ضمیر نزدیکتر باشد باید به همان برگردد پس الویت با دین است.
2. چون مغلوب دین است علی القاعده غالب همه باید از جنس خودش باشد خداوند فرمود ما پیغمبر را فرستادیم با دین حق تا دین حق را بر همه

ادیان (آل جنس در آیه نشان داده شده) آن را چیره سازیم اگر چه مشرکان ناخشنود باشند.

ظهر= آگاه شدن، ظهور، غلبه

اهل لغت می گویند کلمه ظهر با علی که می آید معنای غلبه می دهد.

ظهر علی= غلبه کردن

لیظهره = لام غایت را نشان می دهد

آیا این چیرگی و غلبه اتفاق افتاده یا نه؟ خیر- چراکه غیر مسلمانان زیادند ولی چرا که یک طرف اسلام و یک طرف بقیه ادیان هستند. با این توصیفات بازهم بعضی معتقدند این غلبه انفاق افتاده. ما خواهیم گفت: بستگی دارد: که غلبه را چه طور معنا کنیم بعضی از مفسران اهل سنت می گویند غلبه، غلبه در منطق و استدلال است یعنی منطق اسلام را بر همه منطق ها و بیان هایی که هست غلبه می دهیم ولی با توجه به لیظهره که هیچ قیدی ندارد پس هم شامل غلبه منطق و استدلال است و هم شامل غلبه بیرونی یا استیلاء در بیرون

است پس این عبارت شامل هم نوع غلبه ای می شود همچنین لام غایت نشان می دهد که چنین چیزی اول نبوده و در آینده اتفاق خواهد افتاد پس منطق از اول بوده و لیظهره هم که آینده را نشان می دهد.

در ضمن هر سه سوره ای که این آیات در آن تکرار شده جزء آخرین سوره هایی است که بر پیامبر نازل شده، پس نشان می دهد که خدا به مردم بشارت میدهد ثابت قدم باشید که ما چنین خواهیم کرد که بسیار بشارت زیبائی است دین اسلامی که قرار است فراگیر شود آیا تا کنون رخ داده یا نه؟ با این بیان که هم در منطق و هم در استیلاء بیرونی است پس تاکنون رخ نداده است.

فخر رازی سنی درباره این آیه می گوید: مصداق این آیه اتفاق افتاده و آن را به زمان خلفای راشدی ربط می دهند بعد پیغمبر که ابوبکر و عمر و عثمان آمدند این آیه تحقق یافت در حالی که دروغ است چرا که در زمان تمام آن ها ناامنی زیادی بود شامل جنگ های داخلی و خارجی شیعه ای به امام صادق علیه السلام گفت: این آیه تحقق یافته آن هم در زمان خلفای ذکر شده امام صادق علیه السلام فرمود: خدا دلهای این ناصبیان را هدایت نکند، چه طور آیه را به آن ها نسبت می دهند که نه دین آنها به تمکین رسیده بود و نه خوف زمان آن ها به امنیت، یکی ازمفسرین سنی در ذیل آیه عبارت (و ذلک عند خروج المهدی(عج) ) را می آورد. این آیه وعده است به جهانی شدن اسلام که آن زمان مهدی است آیه روایات متعددی دارد که یکی ازآن ها: امیر المومنین آیه را تلاوت کرد و فرمود: (اظهر ذلک بعد) آیا دین اسلام تا کنون چنین غلبه ای برایشان اتفاق افتاده؟ اصحاب فرمودند: بله. چون زمان امیرالمونین دایره حکومت اسلامی بسیار گسترده شده بود. حضرت فرمودند: کلّا والذی نفسی بیدهخیر- قسم به کسی که جان علی دردست اوست طوری می شود که شهادت لا اله الاا.....وشهادت به رسالت رسول خدا در کره زمین شنیده می شود، هیچ شهر و دیاری نیست مگر اینکه این ندا در آن بلندتر باشد و این اتفاق خواهد افتاد و این دید غلط اصحاب حضرت بود که فقط اطراف خود را می دیدند و حضرت اینگونه دید آنها را اصلاح کرد.

(بقیه ا... خیر لکم ان کنتم مومنین هود/86)

آیه ربطی به مسلمانها ندارد قصه شعیب و چند انبیاست که مشکل اساس قوم شعیب کم فروشی بود.

وافوااکیل و المیزان بالقسط ولا تنخسوا.......بعد از توصیه به پر کردن پیمانه آیه بقیه ا....آمده. یعنی آنچه خدا برای شما باقی گذاشته است حلال است و به اصطلاح منظور سود حلال بوده است.بنابر این شان نزول آیه در معامله و تجارت است که به سود حلال که ذخیره خدا برای مومنان است قناعت کنید معنای تحت الفظی بقیه الله عبارت است از آن چه خدا برای شما باقی گذاشته سوال مگرخدا هم بقیه درد؟ خیر، یعنی چیزی که می توانسته ازبین برود ولی خدا آن را از نابودی نگهداشته (خدا باعث و بانی باقی ماندنش شده) آیه الله مکارم در تفسیر نمونه: آیا به نظر شما که معنی آیه سود حلال است نمی تواند در یک بعد وسیع تری معنای دیگری پیدا کند؟ حتماً باید یک مصداق دیگر داشته باشد.

امام رضا (علیه السلام) اگر قرار بود آیات فقط مصداقش شأن نزولش باشد (ظاهر آیه) زمانش که تمام می شد آیه هم مثل اقوام که می مردند تمام می شد ائمه ما تصریح دارند: آیات جاریست همان گونه که خورشد جاریست، آیا طلوع هر روز خورشد، با طلوع قبلش یکی است؟ خیر ائمه فرمودند: آیات اینگونه اند هر روز طلوعی دارند جستجو کنید و مصداق آن را بیابید پس بقیه الله قرآن با توجه به شأن نزول می شود سود حلال اما با توجه به توسعه در معنا یعنی: هر شی مفید و نافعی که خداوند برای روز مبادای بشر ذخیره کرده است، پس باتوجه به این بیان هر امامی می شود بقیه الله. اگر اکنون به یک مسلمان عاقل فهمیده بگویید یک مصداق برای بقاء الله تعریف کنیم مسلماً امام زمان را

خواهد گفت که خدا ضامن بقیه الله ایشان شده: دو آیه قبل برای حکومت جهانی غیر از حکومت مهدی مصداق دیگری نبود اما در این آیه برای بقیه الله مصداق هست البته با کمک روایات، در روایتی در اصول کافی شخصی خدمت امام باقر یا صادق(ع) رسید و پرسید آیا ما می توانیم به آن امام آخر الزمان که قیام کننده است این گونه سلام دهیم:

السلام علیک یا امیرالمومنین؟حضرت فرمود:خیر.این اسم یا لقبی است مختص به علی بن ابیطالب، نه قبل و نه بعد بر کسی قابل اطلاق نیست. شخص سوال کرد: پس چگونه سلام دهیم؟ حضرت فرمود: السلام علیک یا بقیه الله بلافاصله راوی می گوید: بقیه الله خیرلکم ان کنتم مومنین، او مصداق بقیه الله قرآن است. این طور روایات را مفسرین از قبیل انطباق می نامند. یعنی انطباق یک واژه قرآنی ازیک معنایی که در شأن نزول بوده است بر یک

معنای دیگر، که بر مصداق های دیگر قابل انطباق است و بسیاری از آیات ما اینگونه اند مثل اذکرو انعمت الله علیکم یک سری نعمت ها در گذشته برای مردم قابل فهم نبود مثل انرژی خورشیدی که نعمتی الهی است یا ارتباطات و امثال این ها که قبلاً کسی نمی فهمید و اکنون به عنوان نعمت برای مردم قابل فهم و درک است. نعمت قابل انطباق است بر مفاهیم مختلف در زمان ها.

آیات پیشنهادی برای تحقیق

1. انبیاء /105
2. قصص/6 و 5
3. حدید 17
4. نساء/59
5. ملک/30
6. لقمان/20

کتاب های معرفی شده

1. سیمای حضرت مهدی در قرآن (حائری قزوینی)
2. قافله سالار (محمود اباذری)
3. امام مهدی در قرآن (مهدی یوسفیان)
4. مجله پژوهش های مهدی
5. مجله مشرق موعود (علمی- پژوهشی)

ان شاء الله با کمک حضرت حق با معارف مهدویت بیشتر آشنا شدیم به همراه مطالعه و تلاش فراوان.